

بیتا

بچه محل نقاشی ها ۱

زمانی که هم خانگی

داوینچی

بودم

بیتا



فصل یکم

در زندگی هر آدمی گاهی پیش می‌آید که آدم‌های بزرگی سر راهش سبز شوند. من خودم سر راه آدم‌های بزرگ سبز می‌شدم. یکی از این آدم‌های بزرگ «لئوناردو داوینچی» بود.

مانی این را لای دست‌نوشته‌های دایی‌سامان پیدا کرد و با خواندنش یاد شبی افتاد که با خواهرش، پریسا، پسر خاله‌اش، محسن و دختر دایی‌اش، مینا به زیرزمین خانه‌ی مادر بزرگ رفته بودند و دایی‌سامان را دیدند که داشت روی یک بوم سفید، رنگ‌بازی می‌کرد. واقعاً رنگ‌بازی می‌کرد! نمی‌شد اسم دیگری بر آن کار گذاشت. یواش پشت ستون بزرگی پنهان شدند. دایی‌سامان یک‌بار گفته بود: «این ستون تنها تکیه‌گاه خونه است.»

۱. لئوناردو دی سر پیرو داوینچی (۱۵ آوریل ۱۴۵۲ - ۲ مه ۱۵۱۹) دانشمند، نقاش، مجسمه‌ساز، معمار، موسیقی‌دان، ریاضی‌دان، مهندس، مخترع، آناتومیست، زمین‌شناس، نقشه‌کش، گیاه‌شناس و نویسنده‌ی ایتالیایی دوره‌ی رنسانس بود. نبوغ او شاید بیش از هر چیز دیگری مورد توجه بوده است. لئوناردو معمولاً به‌عنوان نمونه‌ی بارز یک مرد رنسانس معرفی می‌شود. از او به‌عنوان بزرگ‌ترین نقاش تاریخ یاد می‌کنند. عده‌ای نیز او را بااستعدادترین شخصی می‌دانند که تاکنون در این جهان زیسته است. داوینچی را «کهن‌الگوی فرد رنسانسی» دانسته‌اند.